زوجه در احوال مختلفه شوهر در سفر

حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (78) امر و خلق – جلد 4

## ٧٨ - زوجه در احوال مختلفه شوهر در سفر

و نیز در کتاب اقدس است قوله عزّ و علا : " و الّذی سافَرَ و سافَرَتْ معه ثُمَّ حدَثَ بینهما الاختلاف فَلَه اَنْ یُؤْتیها نَفَقَة سَنَةٍ کاملة و یرْجِعَها الی مقرّ الّذی خَرَجَتْ عنه اَوْ یُسَلّمِها بیَدِ اَمینٍ و ما تحتاج به فی السّبیل لیبلّغها الی محلّها .... " قَدْ کَتَبَ اللّهُ لِکلِّ عبدٍ اَرادَ الخروج مِنْ وطنه اَنْ یَجْعَلَ میقاتاً لصاحبته فی ایّةِ مدّةٍ ارادَ اِنْ اتی و وفی بالوعد انّه اتّبع امر مولاه و کان من المحسنین من قلم الامر مکتوبا و الّا اِنِ اعْتَذَرَ بِعُذْر حقیقیٍّ فَلَهُ ان یُخبر قرینته و یکونَ فی غایة الجَهد للرّجوع الیها و ان فات الامر ان فلها تربّص تسعة اشهر معدودات و بعد اکمالها لا بأس علیها فی اختیار الزّوج وَ اِنْ صَبَرتْ انّه یحبّ الصّابرات و الصّابرین اعملوا اوامری و لا تتّبعوا کلّ مشرک کان فی اللّوح اثیماً و ان اتی االخبر حین تربّصها لَها اَنْ تَأخُذَ المعروف انّه اراد الاصلاح بین العباد و الاماء ایّاکم اَنْ ترتکبوا ما یَحْدُثَ به العناد بینکم کذلک قُضی الامر و کان الوعد مأتّیاً وَ اِنْ اتاها خبر الموت او القتل و ثَبَتَ بالشّیاع او بالعدلین لها ان تَلْبِثَ فی البیت اذا مَضَتْ اشهرٌ معدوداتٌ له الاختیار فی ما تختار هذا ما حکم به من کان علی الامر قویّاً "

و در رساله سؤال و جواب است : " و اینکه سؤال فرمودند که هر گاه نفسی بسفر رود و از اوّل میقات معیّن ننماید و مفقود الخبر و الأثر شود تکلیف ضلع چیست هذا ما نزل من سماء عنایة ربّنا الوهّاب فی الجواب اگر میقات مقرّره در کتاب الهی را استماع نموده و ترک آن کرده لها تربّص سنة کاملة و بعد لها الاختیار فی المعروف او باتّخاذ الزّوج و اگر نشنیده لها التربّص الی ان یظهر اللّه امره و مقصود در این مقام اصطبار است انتهی .... بر هر نفسی لازم حین خروج از وطن با قرین خود میقاتی از برای سفر معیّن نماید و میقات را هر قدر معیّن نماید مجری و ممضی است اگر در رأس میقات راجع شد قد وفی بالوعد و اتّبع حکم مولاه و اگر در راس میقات راجع نشد و بعد از تعیین متعذّر آمد یعنی در رجوع مانعی بهم رسید که فی الحقیقه ممنوع شد باید خبر بفرستد و کمال جهد نماید در رجوع اگر در راس میقات راجع نشد و خبر هم نفرستاد تربّص نه شهر بر ضلع لازم و بعد اگر بخواهد زوج اختیار کند لا بأس علیها و باید نفقه ضلع در این مدّت معیّنه برسد و اگر شخص سفر نماید و خبر موت یا شهادت او برسد اثبات این فقره معلّق بشهادت عدلین یا شیوع است بعد از ثبوت و انقضای تسعة اشهر ضلع در اتّخاذ زوج مصاب "

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی بجواب سؤال میرزا سیاوش بدین مضمون که با أرزان بودن مهر و امکان تربّص یکسال و ترک زوجه و اقدام سفر و غیرها نو هوسان شاید پیوسته تجدید فراش و طلاق و تفریق کنند قوله العزیز : ای مقرّب درگاه کبریاء نامه تو رسید فی الحقیقه آنچه بفکر تو آمده سزوار ستایش و تفکّر است البتّه چنین نفوس بیوفائی بندرت خواهند شد که مرتکب چنین امر فظیعی گردند بیت العدل بعد از تشکیل در این خصوص تشریعی نمایند در حقّ این اشخاص زجر شدید مجری دارند و چنین امر فظیعی را جرم کبیر شمارند این حکم مذکور در حقّ نفوسی است محرم و از اهل دانش و فرهنگ نه مجرم بینام و ننگ که مانند حیوانات وحشیه‌اند چنین نفوس را حال باید یاران طرد نمایند و ابداً در محافل و مجالس خویش راه ندهند تا بیت عدل تشکیل شود و در حقّ آنان زجر شدید تشریع گردد و علیک البهاء الأبهی "